



آمریکا پس از حمله نظامی به ونزوئلا در اقدامی جسورانه به دنبال گرینلند است

برنامه ترامپ برای خرید یا تصاحب؟

گسترده‌تر آمریکا در دوره اخیر است که هم بر امنیت ملی در برابر چین و روسیه و هم بر کنترل منابع انرژی کلیدی تمرکز دارد.

پس از آنکه نیروهای ویژه آمریکایی

نیکلاس مادورو، رئیس جمهوری ونزوئلا را هفته گذشته بازداشت کردند، ترامپ جسورتر به نظر رسید. استیون میلر، یکی از مشاوران ارشد، اظهار کرد که گرینلند باید متعلق به ایالات متحده باشد و «هیچ‌کس با آمریکا نمی‌جنگد» تا آن را بگیرد. این سخنان باعث شد نگرانی و اضطراب مقامات دانمارک و گرینلند به‌شدت افزایش یابد.

در روزهای اخیر، تحولات استراتژیک و جنجالی در سیاست خارجی ایالات متحده حول دو موضوع اصلی که به ظاهر جداگانه‌اند اما به‌شکلی جدی با هم مرتبط شده‌اند؛ یعنی «گرینلند در قطب شمال» و «ونزوئلا در آمریکای لاتین» توجه رسانه‌ها، تحلیل‌گران و دولت‌های جهان را به خود جلب کرده است. این دو موضوع، نشان‌دهنده جهت‌گیری

چرا عربستان سعودی و امارات در یمن یکدیگر قرار گرفتند؟

رقابت از دریای سرخ تا شاخ آفریقا

ترجمه

نبرد خاموش برای نفوذ منطقه‌ای بین عربستان سعودی و امارات هفته گذشته به طور چشمگیری آشکار شد، زمانی که جنگنده‌های سعودی در ۳۰ دسامبر شهر بندری مکلا در یمن را بمباران کردند، پس از آنکه ریاض ابوظبلی را به ارسال سلاح به شورشیان جدایی‌طلب در این کشور جنگ‌زده متهم کرد. در اقدامی بی سابقه، پادشاهی عربستان سعودی علناً متحد سابق خود را محکوم کرد و گفت که از اقدامات امارات متحده عربی که به ادعای آن امنیت ملی عربستان سعودی را تهدید می‌کند، ناامید شده است. امارات به سرعت این محموله‌ها را که حاوی هرگونه سلاحی بودند، تکذیب کرد. ابوظبلی در اقدامی آشکارا برای کاهش تنش اعلام کرد به اولتیماتومی که یک روز قبل توسط دولت یمن صادر شد، پایبند خواهد بود. این اولتیماتوم امارات را ملزم به خروج نیروهایش از این کشور می‌کرد. ابوظبلی از جناح‌های همسو با شورای انتقالی جنوب (STC) که اکنون به دنبال یک کشور مستقل در جنوب یمن هستند، حمایت می‌کند. عربستان سعودی با یک کشور جداگانه در جنوب یمن مخالف است و پتانسیل آن را به عنوان یک چالش مستقیم برای امنیت مرزی خود و چهارچوب سیاسی که از سال ۲۰۱۵ در آن سرمایه‌گذاری کرده است، می‌بیند. یمن از سال ۱۹۶۷ تا زمان اتحاد در سال ۱۹۹۰ به دو کشور تقسیم شد .

ابوظبلی رسماً در سال ۲۰۱۹ از یمن خارج شد، اما یک نیروی موسوم به ضد تروریسم باقی مانده داشت که اکنون آن را خارج کرده است. اما دیپلمات‌ها و تحلیل‌گران منطقه‌ای

می‌گویند اختلافاتی که دو کشور حاشیه خلیج فارس را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد، احتمالاً بیشتر خواهد شد. یک دیپلمات ارشد که در منطقه خدمت می‌کند، به المانی‌تور گفت: «بی‌اعتمادی بسیار عمیق است. مشکلات ساختاری هستند و از بین نخواهند رفت.» این دیپلمات توضیح داد: «این یک جنگ بر سر کل شاخ آفریقا و کریدور دریای سرخ است، جنگی بر سر اینکه چه کسی نیروی سیاسی و اقتصادی غالب و قطب اصلی لجستیک دریایی در خاورمیانه خواهد بود.»

یمن که در محل تلاقی خطوط کشتیرانی حیاتی در دریای سرخ و خلیج عدن قرار دارد، برای این جاده‌طلبی‌ها محوری است، زیرا هر دو کشور به دنبال تثبیت موقعیت خود در جهان اقتصاد پس از نفت هستند. کنترل و نفوذ در یمن، اهرم فشاری بر مسیرهای تجارت جهانی است که آسیا، آفریقا و اروپا را به هم متصل می‌کند. عربستان سعودی می‌خواهد مطمئن شود که یمن دست نخورده باقی می‌ماند و آبراه باب‌المندب تحت کنترل دولت یمن باقی می‌ماند. این دیپلمات افزود: «اگر عربستان سعودی باب‌المندب یا خلیج عدن را از دست بدهد، چیز بعدی که از دست خواهد داد، دریای سرخ خواهد بود.»

برخی دیگر استدلال می‌کنند که منافع مشترک بر هرگونه نزاعی غلبه خواهد کرد. عبدالخالق عبدالله، دانشیار علوم سیاسی در دانشگاه امارات در العین گفت: «متحدان هر از گاهی با هم درگیر می‌شوند. این یک مورد کلاسیک است. شما نمی‌توانید به سادگی از ۴۰ سال پیوندهای اقتصادی استراتژیک صرف نظر کنید. در نهایت، مشترکات آنها را به دوره قبل از درگیری باز خواهد گرداند.»

اما ناامیدی و اختلاف بر سر یمن

اخیر و پس از بازداشت نیکلاس مادورو، رئیس جمهوری ونزوئلا، توسط آمریکا دوباره زنده شده است. ترامپ که پس از دستگیری مادورو در آخر هفته گذشته جسورتر شده، گفته است: «سلطه آمریکا در نیمکره غربی دیگر هرگز مورد تردید قرار نخواهد گرفت» و همزمان فشارهایی را بر کلمبیا و کوبا وارد کرده است. او همچنین پس از آنکه برای ماه‌ها موضوع گرینلند را کنار گذاشته بود، دوباره صحبت درباره آن را آغاز کرده است .

سختگوی دولت و بعد از آن مارکو رویو، وزیر خارجه ایالات متحده به نمایندگان کنگره گفتند که هدف رسمی دولت خرید گرینلند از دانمارک است، نه اشغال نظامی. رویو توضیح داد که ترامپ از تیمش خواسته تا برنامه‌ای برای خرید این جزیره تهیه کنند، اما جزئیات بیشتر درباره قیمت یا نحوه این معامله ارائه نشده است. در همین حال، کاخ سفید رسماً اعلام کرده که گزینه استفاده از نیروی نظامی آمریکا برای به دست آوردن گرینلند همچنان روی میز است، اگرچه رویو و دیگر مقامات تلاش کرده‌اند این دیدگاه را آرام‌تر جلوه دهند. در حالی که عملیات نظامی آمریکا در آخر هفته گذشته که منجر به بازداشت رئیس جمهوری ونزوئلا شد، پیش‌تر نگرانی‌ها را درباره احتمال مواجهه گرینلند با سناریویی مشابه دوباره زنده کرده است.

واکنش دانمارک و اروپا

دولت دانمارک و گرینلند به‌شدت با این اظهارات مخالفت کرده‌اند. آنها برای گفت‌وگو با رویو درخواست رسمی داده‌اند تا نگرانی‌های خود را مطرح کنند. در حالی‌که پیش از این درخواست‌ها بی نتیجه مانده بود. نخست‌وزیر دانمارک همچنین اعلام کرده که هرگونه اقدام آمریکا علیه گرینلند می‌تواند پایان اتحاد نظامی ناتو باشد، زیرا گرینلند بخشی از این اتحاد است و حمله به آن می‌تواند اصول اساسی امنیت جمعی را زیر سؤال ببرد.

رهبران چند کشور اروپایی از جمله فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا، لهستان و بریتانیا نیز در بیانیه‌ای مشترک تأکید کردند که گرینلند متعلق به مردم خود آنجاست و باید تصمیم‌گیری درباره آینده آن با مشارکت دانمارک و گرینلند انجام شود، نه از سوی ایالات متحده.

چرا گرینلند مهم است؟

گرینلند، بزرگ‌ترین جزیره جهان، با جمعیتی تنها حدود ۵۷ هزار نفر، عضو مستقل ناتو نیست، اما تحت پوشش عضویت دانمارک در این ائتلاف غربی قرار دارد. این جزیره از نظر راهبردی میان اروپا و آمریکا شمالی واقع شده و به همین دلیل دهه‌هاست که به‌عنوان یکی از نقاط کلیدی در سامانه دفاع موشکی بالستیک آمریکا اهمیت دارد. همچنین، منابع معدنی آن با هدف واشنگتن برای کاهش وابستگی به چین هم‌راستا است. ترامپ بارها گفته است که شناورهای روسی و چینی در آب‌های اطراف گرینلند در حال رصد و گشت‌زنی هستند؛ ادعایی که دانمارک آن را رد می‌کند. داده‌های رهگیری کشتی‌ها از منابع MarineTraffic و LSEG نشان می‌دهد که هیچ کشتی روسی یا چینی در نزدیکی گرینلند حضور ندارد.

توقیف نفتکش ونزوئلا توسط آمریکا

اما دقیقاً یک هفته قبل از توجه ترامپ به گرینلند، در اوایل ژانویه ۲۰۲۶، نیروهای ویژه آمریکایی عملیات نظامی سری در ونزوئلا انجام دادند که منجر به بازداشت نیکلاس مادورو، رئیس جمهوری این کشور و همسرش شد؛ اقدامی که رسانه‌ها و مقام‌های بین‌المللی در شوکه کرد و با واکنش‌های گسترده مواجه شد. دولت آمریکا این اقدام را بخشی از مبارزه با مواد مخدر و تروریسم معرفی کرده، اما بسیاری از تحلیل‌گران گفته‌اند که «نفت و منابع انرژی» و ونزوئلا یکی از عوامل کلیدی پشت این عملیات بود و اینکه واشنگتن در عمل به دنبال کنترل بخش‌هایی از صنعت نفت این کشور است.

حتی در روز گذشته، ایالات متحده پس از چند هفته تعقیب، نفتکشی مرتبط با ونزوئلا را توقیف کرد. این نفتکش که پیش‌تر «بلا-۱» و اکنون «مارینرا» نام دارد، با پرچم روسیه ثبت شده و از محاصره دریایی آمریکا علیه کشتی‌های تحریم‌شده عبور کرده بود. عملیات توقیف با همکاری گارد ساحلی و ارتش آمریکا انجام شد و در محدوده حضور نیروهای روسیه، از جمله یک زیردریایی، مشاهده شده است. این اقدام بخشی از کارزار فشار آمریکا علیه ونزوئلا و کنترل ذخایر نفتی این کشور است. آمریکا قصد دارد نفت توقیف‌شده را پالایش و درآمد آن را تحت کنترل خود قرار دهد.

هدف آمریکا تغییر مسیر صادرات نفت ونزوئلا و کاهش نفوذ مادورو است؛ اقدامی که بزرگ‌ترین مداخله واشنگتن در آمریکای لاتین از زمان حمله به پاناما در ۱۹۸۹ محسوب می‌شود.

ترامپ اعلام کرد که ونزوئلا بین ۳۰

تا ۵۰ میلیون بشکه نفت خام را به آمریکا تحویل خواهد داد تا به‌قیمت بازار فروخته شود و درآمد حاصل به نفع هر دو کشور شود. این حرکت احتمالاً نفتی را که به‌دلیل محاصره و تحریم نتوانسته صادر شود آزاد می‌کند و ممکن است صادرات به چین که حدود ۸۰درصد نفت ونزوئلا را خریداری می‌کرد، کاهش یابد؛ چنین این اقدام را به‌شدت محکوم کرده و آن را نقض حاکمیت ونزوئلا و نمونه‌ای از زورگرایی توصیف کرده است و روسیه و متحدان چپ‌گرای ونزوئلا نیز آن را محکوم کرده‌اند. در کنار این، آمریکا قصد دارد شرکت‌های نفتی بزرگ آمریکایی را برای سرمایه‌گذاری و احیای صنعت نفت ونزوئلا به این کشور بازگرداند، هرچند این امر با چالش‌های بزرگی روبه‌رو است، چون بخش نفت کشور پس از سال‌ها بحران و تحریم به‌شدت افت کرده است.

تلاش‌های همزمان ایالات متحده برای به‌دست آوردن گرینلند و تلاش‌های همزمان ایالات متحده برای دسترسی به درون اسرائیل نسبت به پرونده لبنان دانست. آنها بر اساس آنچه از قبل هم برخی پیش‌بینی می‌کردند، معتقدند خلع سلاح حزب‌الله به تنهایی به فشار داخلی و نقش‌آفرینی دولت لبنان ممکن نیست و تل‌آویو باید برای این مسأله مهم و حیاتی نقش جدی‌تری

را دنبال کند. همچنین انتشار خبری از سوی مرکز فرماندهی جبهه داخلی که وظیفه تنظیم و انتشار هشدارها، شرایط ویژه ... را در درون سرزمین‌های اشغالی دارد، گمانه‌زنی‌ها در خصوص نزدیک بودن حمله به لبنان بیشتر شده است. فرمانده جبهه داخلی ارتش اسرائیل خطاب به رؤسای شهرک‌ها دستور صادر کرده است که «برای انتقال سریع از حالت روتین به حالت اضطراری آماده شوید.» از آنجایی که هشدار خطاب به شهرک‌ها صادر شده، به نظر می‌رسد محتمل‌ترین گزینه، جبهه لبنان باشد.

به نظر می‌رسد تل‌آویو مسأله لبنان و ترسیم حزب‌الله در گذر زمان را موضوع اولویت‌داتری برای خودش می‌داند. سیگال، خبرنگار مشهور اسرائیلی در خبری مدعی شده است: «ترامپ نه‌تنه چراغ سبز برای عملیات نظامی در لبنان داده است، بلکه ارتش اسرائیل را به شروع آن ترغیب می‌کند.» در همین راستا سفر آخر هفته آقای عراقچی به لبنان، نشان می‌دهد که درک ایران از وضعیت منطقه هم احتمالاً روی ماجراجویی جدید نتانیاهو در لبنان و جنوب این کشور متمرکز است و سعی در تغییر شرایط و حمایت از حزب‌الله دارد.

اکنون حدود ۱۴ ماه از آتش‌بس میان لبنان و اسرائیل پس از حدود ۱۴ ماه جنگ و حمایت از غزه گذشته است. در این ۱۴ ماه براساس آمار اسرائیلی‌ها، بیش از ۴۰۰ نفر در لبنان ترور شده‌اند که رقمی بسیار حائز اهمیت در دوران آتش‌بس است و نشان می‌دهد اسرائیلی‌ها بر تضعیف و جلوگیری از ترسیم حزب‌الله اصرار زیادی داشته‌اند. همچنین تحولات لبنان و مشغول‌سازی ایران به داخل، در کنار برخی ضربات دو ماه اخیر به حزب‌الله، مثل ترور سید هشیم طباطبایی، رئیس ستاد کل نظامی حزب‌الله، اسرائیلی‌ها را به جمع‌بندی برای لزوم تکرار جنگ در لبنان نزدیک‌تر کرده است.

ضمن آنکه در حاشیه مؤلفه‌های بالا، نزدیک شدن نتانیاهو به انتخابات و عدم تغییر نظرسنجی‌ها و همچنان در ناحیه خطر سقوط باقی ماندن دولت و ائتلافی‌ها را هم باید به تحلیل‌ها اضافه کرد. برخلاف آنچه برخی تصور می‌کنند جنگ جدید در لبنان با هر محور دیگری، شاید برخی انتقادات را بر نتانیاهو افزایش دهد، اما میزان رضایت سید رای نتانیاهو را صعودی خواهد داد. ضمن آنکه باید توجه داشت در صورت وقوع جنگ جدید در لبنان، احتمالاً شرایطی متفاوت از جنگ پیشین و حملات دوران آتش‌بس را شاهد خواهیم بود. ممکن است این بار ارتش اسرائیل برای تشدید فشار اجتماعی و سیاسی بر حزب‌الله، مناطق مختلف لبنان از جمله بیروت را هدف حملات گسترده‌تری قرار دهد.

جهان

بدون روتوش



محمد محسن فایزی

کارشناس مسائل فلسطین

جنگ لبنان

نزدیک است!؟

۷ روز از اتمام اولتیماتوم آمریکایی‌ها (پایان سال ۲۰۲۵) در خصوص تمرکز سلاح در دستان ارتش لبنان بالاخص در جنوب لیبانی گذشته است. همین امر موجب شده بار دیگر مسأله خلع سلاح حزب‌الله توسط مقامات آمریکایی، لبنانی و اسرائیلی تکرار شود و حول آن بحث و گفت‌وگو و گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای را شاهد باشیم. کانال ۱۲ اسرائیل در گزارش رسمی شده است: «در اسرائیل نسبت به تعهد دولت لبنان برای خلع سلاح حزب‌الله شک دارند و در ارتش اسرائیل نیز برای چندین سناریوی ممکن آماده می‌شوند. در این مرحله، ارتش منتظر تصمیم سطح سیاسی درباره عملیاتی علیه حزب‌الله در لبنان است و اعلام کرده که نیروها برای هر عملیاتی با ابعاد بسیار گسترده آماده‌اند. اما در سیستم امنیتی معتقدند تضعیف حزب‌الله، شرطی است که به دولت لبنان امکان می‌دهد آن را خلع سلاح کند و به سمت یک توافق سیاسی پیش برود. در ارتش تأکید می‌کنند آمادگی عملیاتی در هر دو سطح دفاعی و تهاجمی کامل شده است.»

آنچه در گزارش کانال ۱۲ عبری روی آن تأکید شده، می‌توان خلاصه‌ای از نگرش و تحلیل در درون اسرائیل نسبت به پرونده لبنان دانست. آنها بر اساس آنچه از قبل هم برخی پیش‌بینی می‌کردند، معتقدند خلع سلاح حزب‌الله به تنهایی به فشار داخلی و نقش‌آفرینی دولت لبنان ممکن نیست و تل‌آویو باید برای این مسأله مهم و حیاتی نقش جدی‌تری

را دنبال کند. همچنین انتشار خبری از سوی مرکز فرماندهی جبهه داخلی که وظیفه تنظیم و انتشار هشدارها، شرایط ویژه ... را در درون سرزمین‌های اشغالی دارد، گمانه‌زنی‌ها در خصوص نزدیک بودن حمله به لبنان بیشتر شده است. فرمانده جبهه داخلی ارتش اسرائیل خطاب به رؤسای شهرک‌ها دستور صادر کرده است که «برای انتقال سریع از حالت روتین به حالت اضطراری آماده شوید.» از آنجایی که هشدار خطاب به شهرک‌ها صادر شده، به نظر می‌رسد محتمل‌ترین گزینه، جبهه لبنان باشد.

به نظر می‌رسد تل‌آویو مسأله لبنان و ترسیم حزب‌الله در گذر زمان را موضوع اولویت‌داتری برای خودش می‌داند. سیگال، خبرنگار مشهور اسرائیلی در خبری مدعی شده است: «ترامپ نه‌تنه چراغ سبز برای عملیات نظامی در لبنان داده است، بلکه ارتش اسرائیل را به شروع آن ترغیب می‌کند.» در همین راستا سفر آخر هفته آقای عراقچی به لبنان، نشان می‌دهد که درک ایران از وضعیت منطقه هم احتمالاً روی ماجراجویی جدید نتانیاهو در لبنان و جنوب این کشور متمرکز است و سعی در تغییر شرایط و حمایت از حزب‌الله دارد.

اکنون حدود ۱۴ ماه از آتش‌بس میان لبنان و اسرائیل پس از حدود ۱۴ ماه جنگ و حمایت از غزه گذشته است. در این ۱۴ ماه براساس آمار اسرائیلی‌ها، بیش از ۴۰۰ نفر در لبنان ترور شده‌اند که رقمی بسیار حائز اهمیت در دوران آتش‌بس است و نشان می‌دهد اسرائیلی‌ها بر تضعیف و جلوگیری از ترسیم حزب‌الله اصرار زیادی داشته‌اند. همچنین تحولات لبنان و مشغول‌سازی ایران به داخل، در کنار برخی ضربات دو ماه اخیر به حزب‌الله، مثل ترور سید هشیم طباطبایی، رئیس ستاد کل نظامی حزب‌الله، اسرائیلی‌ها را به جمع‌بندی برای لزوم تکرار جنگ در لبنان نزدیک‌تر کرده است.

ضمن آنکه در حاشیه مؤلفه‌های بالا، نزدیک شدن نتانیاهو به انتخابات و عدم تغییر نظرسنجی‌ها و همچنان در ناحیه خطر سقوط باقی ماندن دولت و ائتلافی‌ها را هم باید به تحلیل‌ها اضافه کرد. برخلاف آنچه برخی تصور می‌کنند جنگ جدید در لبنان با هر محور دیگری، شاید برخی انتقادات را بر نتانیاهو افزایش دهد، اما میزان رضایت سید رای نتانیاهو را صعودی خواهد داد. ضمن آنکه باید توجه داشت در صورت وقوع جنگ جدید در لبنان، احتمالاً شرایطی متفاوت از جنگ پیشین و حملات دوران آتش‌بس را شاهد خواهیم بود. ممکن است این بار ارتش اسرائیل برای تشدید فشار اجتماعی و سیاسی بر حزب‌الله، مناطق مختلف لبنان از جمله بیروت را هدف حملات گسترده‌تری قرار دهد.



دا رفور و بزرگ‌ترین میدان نفتی این کشور را تصرف کردند. در حالی که امارات اتحاد نظامی خود با نیروهای پشتیبانی سریع را انکار می‌کند کمتر کسی شک دارد که این کشور مایل است شاهد حضور نیروی نیابتی ادعایی خود در دریای سرخ باشد که از جمله اهداف اعلام شده آن است. خط ساحلی ۸۰۰ کیلومتری سودان در دریای سرخ، مشرف به عربستان سعودی است. کندال گفت: «اگر شما عربستان سعودی باشید، شما نمی‌خواهید یک نهاد تحت حمایت امارات متحده عربی به قدرت مسلط در آنجا تبدیل شود و سپس نهاد دیگری در جنوب، در خصوص تنیده است. چهار نفر از ثروتمندترین همه چیز کمی تهدیدآمیز به نظر می‌رسد.»

حضرمت از بیشتر ذخایر نفتی اندک یمن در آن قرار دارد، مسلماً قابل بهره‌برداری‌ترین بخش، سیمنا از نظر تجاری است. با این حال، مهم‌تر از آن، این استان عمیقاً با پادشاهی عربستان سعودی در هم تنیده است. چهار نفر از ثروتمندترین خانواده‌های غیرسلطنتی در این

پادشاهی ریشه در این استان دارند. آنها شامل غول‌های بیمانکاری، بن لادن‌ها و سلسله بانکداری، خانواده آل محفوظ می‌شوند. سعود القحطانی دستیار کلیدی سابق ولیعهد عربستان سعودی که اطلاعات آمریکا ارزیابی کرده بود در توطئه قتل جمال خاشقجی روزنامه‌نگار مخالف سعودی در استانبول در سال ۲۰۱۸ دست داشته است، نیز اهل حضرموت بوده است. بسیاری در حضرموت تابعیت دوگانه یمنی و سعودی دارند. عمیسی، محقق یمنی، اظهار کرد: «از نظر تاریخی، حضرموت حاکم خلع عربستان سعودی بوده است.» سقوط آن یک نقطه عطف بود.

منبع: **المانی‌تور**
اشتباه انتحاری بود که از تمام خطوط قرمز عبور کرد. این یک لحظه بنواد به چهار استان از شش (مورد حمایت عربستان و به رسمیت شناخته شده بین‌المللی) یمن تقریباً ۹۵ درصد از حضور خود را از میدان از دست داد» و بسیاری از رهبران آن به ریاض گریختند. عیدروس زبیدی در دوم ژانویه با اعلام برنامه‌هایی برای تأسیس «دولت عربی جنوبی» آتش اختلافات را شعله‌ورتر کرد. او همچنین اظهار کرد که اگر یمن جنوبی مستقل شود، روابط رسمی با اسرائیل برقرار خواهد کرد، همان طور که امارات متحده عربی در سال ۲۰۲۰ با پیوستن به توافق نامه ابراهیم این کار را انجام داد.

کندال گفت: «ا امارات متحده عربی به محاسبه شدت مخالفت

عربستان سعودی با این موضوع، دچار اشتباه فاحشی شد.»

او افزود: «تصور کنید حضرموت با مرز ۷۰۰ کیلومتری با عربستان سعودی و

که اطلاعات آمریکا ارزیابی کرده بود در توطئه قتل جمال خاشقجی

روزنامه‌نگار مخالف سعودی در استانبول در سال ۲۰۱۸ دست داشته

است، نیز اهل حضرموت بوده است. بسیاری در حضرموت تابعیت دوگانه

یمنی و سعودی دارند. عمیسی، محقق یمنی، اظهار کرد: «از نظر

تاریخی، حضرموت حاکم خلع عربستان سعودی بوده است.»

سقوط آن یک نقطه عطف بود.

منبع: **المانی‌تور**